

هو الله - رب ورجائی انی امرغ جبینی بتراب عتبتک...

عبدالبهاء

اصلی فارسی



هو الله

رب ورجائی انی امرغ جبینی بتراب عتبتک العلیا واضعه علی الثری راکعاً ساجداً خاضعاً لعظمتک العظمی و
ارجوک رجاء یملاً القلب و الأحشاء ان تدرك الرجل الحليم ذا القلب السليم و الخلق العظيم عبدک ابراهیم
بفیضک المبین و صبیحک العمیم المحیی للعظم الرمیم و تویده فی هذا السبیل حتی یروی من كأس السلسبیل و
یهدی الناس الی الملكوت الجلیل بحجة قاطعة و واضح الدلیل ربّ انه مستهام فی حبک و متیم فی جمالك و مهیم
فی جلالک ناطق بذکرک شائق الی لقائک سائق الیک ثابت علی دینک نابت فی ریاضک منتعش فی غیاضک
ساجح فی حیاضک نابض فی جسد الامکان بفضلك و جودک ربّ اجعله آية الانجذاب بین الأحباب و نائرة
الالتهاب بین الأصحاب حتی یضطرم القلوب و ینسجم الدموع حباً بجمالک المشرق فی غیب الملكوت انک انت
القوی القدير العزیز المحبوب و انک انت الربّ الکریم الودود لا اله الا انت البرّ الغفور الرؤوف

ای بنده مقرب جمال اہی، آنچه بجناب منشادی مرقوم ملحوظ افتاد شکایت از عدم توفیق بر عبودیت نموده
بودید. اشهد ان ربک وفقک علی عبودیة عتبتہ العلیا و شدّ از رک و قوی ظهرک علی خدمة امرالله طوبی لک
من هذا اما ما کتبه حضرة حیدر قبل علی فلا تبتئس منه ان ربک لرؤوف کریم. ایشان بسیار شخص پر طمعند
بدرجه ئی قناعت نمایند هر چند خود ایشان همواره معترفند و با عبدالبهاء مذاکره می نمایند که احبای ارض خاء
همیشه در سبیل جمال اہی اسیر محن و آلام بوده اند و از هر مصیبت و بلائی فتور نیاورده اند در ره حق
پرشانند و جانفشانند و بیلا شادمانند و در شدت امتحان کامران با وجود این قناعت نمایند بدین سبب آن



ORIGINAL



AUDIO

عبارت را نگاشته اند شما محزون مگردید یشهد عبدالبهاء بثبوتکم فی دین الله و رسوخکم علی میثاق الله و اضطرارمکم بنار محبة الله و عدم اضطرارکم فی امتحانات الله و النصر امکم عن کل ناقض مراتب.

خدمت یاران بتبلیغ امرالله است و عبودیت آستان مقدس و نشر نفعات الله لله الحمد احبای ارض خاء بآن مؤید و موفق ولی مقصد این است که در یوم مبارک آن ارض سبقت بر جمیع اقالیم داشت. حتی قبل از صعود بواسطه عبدالبهاء تبلیغ پیام الهی گردید و این اختصاص بآن ارض داشت. لهذا باید بسبب این خصوص شمع خلوص برافروزند و بنیان مرصوص تأسیس نمایند. ما را نیز امید چنین است و جناب نورالله و ضیاءالله و سناءالله و آقا عباس را از قبل این عبد تحیت مشتاقانه برسان. جناب میرزا محتشم را حشمت ملکوتی خواهم و جناب محتشم جدید را تأیید شدید جویم و جناب ملا صمد را فیض ابد طلبم و جناب ملا حسین را نور المشرقین خواهم و جناب ملا غلامحسین را نجم الخافقین آرزو کنم و جناب ملا عباسعلی را مظهر فیض علی جویم و جناب ملا محمد را الطاف ربّ احد خواهم و جناب میرزا غلامحسین زائر را نجم باهر طلبم و جناب میرزا حسین را مستضیء از نیرین خواهم و جناب میرزا مشکین را نفس مشکین جویم و جناب آقا محمد حسین را از عینین نضاختین نصیب خواهم و جناب سمی مقصود را فضل محمود طلبم و جناب نظر علی را بصر حدید جویم و جناب یاور را از خدا یآوری خواهم و جناب ملا حاجی محمد را مدد از ربّ غفور جویم و جناب کهل روحانی را توفیقات سبحانی خواهم و جناب عباس سسکانی را حالی از فضل و موهبت ربّانی جویم و سایر احبای جدید و غیر جدید و یاران دیرین را بنهایت اشتیاق مشتاقم.

اما حضرت جوان روحانی را نهایت شوق و وله از قبل عبدالبهاء برسان و بگو ای یار دیرین و مونس قدیم من حقّ باتست و از تو شکر و شکوه هر دو مقبول زیرا شکوهات نیز منبعث از حرارت محبت الله است. این شکوه اعظم از شکر و این فغان و ناله خوشتر از آهنگ چنگ و چغانه. خدا از تو راضی، من از تو خوشنود، احبای از تو ممنون، دیگر زبان بگشا و هر چه خواهی ناله و شکایت نما.

ای روحانی من ترک گله کن چوپانی حقّ در آن گله کن اغنام خدا در دشت بلا دلجوئی
آن با ولوله کن از حبّ بها و ز فرط وفا ارکان جفا پر زلزله کن از ذوق مدام و از شوق
مدام دلهای انام پر هلهله کن زامکان و حدود تا منزل مقصود در طیّ مکان یک مرحله کن

ای ابراهیم در خصوص اذن حضور مرقوم نموده بودید، مأذون طواف مطاف ملا اعلی هستید.

اما مسئله مزرعه و قنات جدید آن سهم که تعلق بعبدالبهاء دارد بفروشید و قیمتش را بجهت مصارف مشرق الأذکار عشق آباد بفروستید زیرا آنچه تعلق باین عبد داشته در هر جا فروخته شده و می شود و ارسال به آنجا میگردد. جناب علیمحمد و سه اناث متعلق به آنجناب و ضمیمه محترم را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ دارید و علیکم
التّحیة و الثّناء ع ع

